

روحانیت و کنشگری آن در مبارزات انقلاب اسلامی:

تحلیل محتوای مکاتبات امام خمینی (ره) (۱۳۵۰-۱۳۴۰)

یونس کجوری گشینیانی^۱، علی باقری دولت‌آبادی^۲، ابوذر فتاحی‌زاده^۳، جاسب نیکفر^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵

چکیده:

در پیروزی انقلاب اسلامی اقبال و گروه‌های مختلف ایفای نقش کردند. روحانیت یکی از اقشاری است که نقش آن در این روند به شکل روایتی یکدست و منسجم گزارش شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که واکنش روحانیت به مهم‌ترین تحولات سیاسی دهه ۱۳۴۰ چه بود و چه مناسباتی بین امام خمینی (ره) به عنوان رهبر تبعیدشده انقلاب با روحانیت در این دهه برقرار بود؟ فرضیه مقاله این است که نیمه اول دهه ۱۳۴۰ کنشگری فعالانه روحانیت در عرصه سیاسی کشور را شاهد هستیم و در نیمه دوم از شدت واکنش آنها نسبت به رویدادهای سیاسی کاسته می‌شود. برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش از روش ترکیبی کمی-کیفی استفاده شده است. در روش کمی تمامی مکاتبات امام خمینی (ره) بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ به صورت آماری برحسب مخاطب، تاریخ و محتوا تنظیم گردید و در گام بعدی این مکاتبات با روش تحلیل محتوای کیفی از نوع هدفمند مورد واکاوی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش ضمن تأیید فرضیه اصلی نشان دادند در نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ امام خمینی (ره) نسبت به انفعال روحانیت نگران گردیده و سرگرم شدن آنها به امور آموزشی و یا مسائل کم‌اهمیت را یک آسیب برای نهضت تلقی می‌نمایند. اظهارنظرهای امام خمینی (ره) تأیید می‌کنند که روحانیت به صورت یکدست و منسجم با انقلاب همراهی نکرده و اقدامات برخی از آنها همچون انجمن حج‌تبه در این دهه برای نهضت آسیب‌زا بوده است.

واژگان اصلی: روحانیت، انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، حوزه علمیه، مبارزات سیاسی.

مقدمه

یکی از ادوار برجسته تاریخ ایران، پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل دولت اسلامی تحت هدایت روحانیت است. این رویداد، کنشگری قبلی روحانیت که در دوره مشروطه اتفاق افتاده بود را یک مرحله جلوتر برد. «علما در انقلاب مشروطه شرکت کردند که روی نظام سیاسی تأثیر بگذارند اما در انقلاب اسلامی مشارکت کردند که قدرت سیاسی را به دست گیرند» (کمالی، ۱۳۸۱: ۳۲) در این دوره اندیشه‌های سیاسی متفکران شیعه بسط و توسعه یافت و کارایی آن مورد آزمون قرار گرفت. همچنین دیدگاه‌های متکثر روحانیت که تا پیش از آن به گفته امام خمینی (ره) «در محیط درس و بحث و مدرسه محصور بود» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷۶) در معرض دید عموم قرار گرفت.

در خصوص رفتار سیاسی روحانیت در بازه زمانی ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. دیدگاه نخست که عموماً از سوی مخالفان انقلاب، اپوزیسیون خارج‌نشین، چپ‌ها، جریان‌های سیاسی ملی-مذهبی و گاه برخی از تحلیل‌گران سیاسی داخلی بیان می‌شود این است که روحانیت کمترین نقش را در پیروزی انقلاب اسلامی داشت و در نهایت موفق گردید در سال ۱۳۶۱ قدرت را در دست گرفته و سایر نیروهای سیاسی را از قطار قدرت خارج سازد. به اعتقاد این گروه در دهه ۴۰ و ۵۰ ملی‌گراها، چپ‌ها و مبارزان مسلح، میدان‌دار مبارزه با شاه بودند. محمد صادق کوشکی در تحلیل دیدگاه‌های سازمان مجاهدین خلق می‌نویسد «در تحلیل سازمان، انقلاب اسلامی ۵۷ یک قیام بود نه یک انقلاب زیربنایی و عمیق؛ از این رو روحانیت نمی‌توانست منشأ آن باشد. سازمان خود را قطب و محور انقلاب می‌دانست» (کوشکی، ۱۳۷۸: ۱۵۵). این ادعا در پژوهش‌های پس از انقلاب اسلامی مردود شمرده شده و بالعکس بر این نکته تأکید می‌شود که در بنبوجه انقلاب در سال ۱۳۵۵ گروه‌هایی همچون مجاهدین خلق به بن‌بست سیاسی و تدوین «تئوری رکود» رسیده بودند (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹: ۲۹۶).

دیدگاه دوم تصویر روحانیت یکپارچه مبارز را روایت می‌کند که از دهه ۴۰ با امام همراه گردیدند و در دهه ۵۰ انقلاب را رقم زدند. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تشریح این مبارزات می‌گوید: «حضرت امام حرکتی اصیل و عمیق انجام دادند. رهبری با امام بود، ولی کار اساسی را شاگردان و همراهان ایشان کردند، زیرا رژیم پهلوی خیلی زود، امام را شناخت و ایشان را بازداشت و سپس به خارج تبعید کرد، اما شاگردانی که امام آنها را پرورش داده بود، این شانزده هفده سال را خوب اداره کردند و حرف امام را بر کرسی نشاندند، و این، کار روحانیت بود، نه یک نفر. امام، مجموعه اینها را زیرالحدید نام نهاده بودند» (آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۷). طبق استدلال‌های

طرفداران دیدگاه فوق «اگر اراده روحانیت انقلابی و مبارز شیعه، به رهبری امام خمینی (ره) برای ایجاد انقلاب نبود، انقلابی در این برهه از تاریخ ایران تحقق نمی‌یافت» (مظفری، ۱۳۹۴: ۲۴-۳۸).

دیدگاه سوم تصویر روحانیت یکپارچه مبارز را به چالش می‌کشد و قائل به وجود دیدگاههای محافظه‌کار و مقدس‌نما و حتی عافیت‌طلب در میان روحانیت در دهه ۴۰ و ۵۰ است. امام خمینی (ره) در این خصوص اشاره می‌کند «هرکس صد درصد معتقد به مبارزه نبود زیر فشارها و تهدیدهای مقدس‌نماها از میدان به در می‌رفت؛ ترویج تفکر شاه سایه خداست و یا با گوشت و پوست نمی‌توان در مقابل توپ و تانک ایستاد و این که ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم و یا جواب مقتولین را چه کسی می‌دهد. مشکلات بزرگ بودند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۲۷۹).

با توجه به دیدگاههای سه‌گانه فوق پژوهش حاضر درصدد است تا به این پرسش پاسخ دهد که واکنش روحانیت به مهمترین تحولات سیاسی دهه ۱۳۴۰ چه بود و چه مناسباتی بین امام خمینی (ره) به عنوان رهبر تبعیدشده انقلاب با روحانیت در این دهه برقرار بود؟ فرضیه مقاله این است که نیمه اول دهه ۱۳۴۰ کنشگری فعالانه روحانیت در عرصه سیاسی کشور را شاهد هستیم و در نیمه دوم از شدت واکنش آنها نسبت به رویدادهای سیاسی کاسته می‌شود. برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش از روش ترکیبی کمی-کیفی استفاده شده است. در روش کمی تمامی مکاتبات امام خمینی (ره) بین سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ به صورت آماری برحسب مخاطب، تاریخ و محتوا تنظیم گردید و در گام بعدی این مکاتبات با روش تحلیل محتوای کیفی از نوع هدفمند مورد واکاوی قرار گرفت.

پیشینه پژوهش

درخصوص نقش روحانیت در پیروزی انقلاب اسلامی سه پژوهش برجسته انجام شده است. نخست کتاب پنج جلدی علی دوانی (۱۳۹۴) با عنوان نهضت روحانیون ایران است. این کتاب تلاش نموده تا تمامی کنش‌های سیاسی ثبت شده توسط روحانیت از مهرماه ۱۳۴۱ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ را در قالب یک روایت یکپارچه و منسجم و به شکل مبارزه در راه نهضت اسلامی به دست روحانیون گزارش کند. عدم توجه دقیق و عمیق به تفاوت دیدگاههای روحانیون و نیز تلاش برای همراستا نشان دادن همه روحانیت با نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) از جمله ضعف برجسته این اثر است. همچنین در این کتاب هیچ رد و نشانی از فراز و فرود کنش سیاسی امام خمینی (ره) در طول این دهه وجود ندارد و فرایند تاریخ به شکلی روایت کلان ارائه شده است.

حمید روحانی (۱۳۷۴) در کتاب نهضت امام خمینی (ره) فرایند پیروزی انقلاب اسلامی را به شکلی توصیفی گزارش کرده است. این کتاب نیز همانند اثر پیشین دست به تولید روایت کلان زده و نه تنها اختلاف نظرهای روحانیون درباره مبارزه سیاسی و کیفیت آن در سال‌های مختلف را نادیده گرفته است؛ تلاش نموده نقش سایر گروه‌های اجتماعی در پیروزی انقلاب را کم اهمیت جلوه دهد. سومین اثر از آن عباسعلی عمیدزنجانی (۱۳۶۹) است. او در کتاب «انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن» به هنگام بحث از ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی ایران ریشه‌های انقلاب را از لحظه نزول نخستین آیات وحی بر پیامبر اسلام تا نهضت‌های شیعیان علیه امویان، عباسیان و مغولان پیگیری کرده است تا به صفویه برسد. پس از طرح نگاه مثبت به صفویان و قاجاریان، به برجسته‌سازی نقش کنشگران حوزوی در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی و نقش مذهب در آن پرداخته است. این اثر علاوه بر جانبداری سیاسی در روایت کردن تاریخ، کمتر بر داده‌ها و اسناد استوار گردیده و به لحاظ روش‌شناسی با نقدهای جدی مواجه است.

در پاسخ به دیدگاه‌های فوق برخی نویسندگان ایرانی و خارجی همچون صادق زیباکلام (۱۳۹۵)، محسن میلانی (۱۳۸۵)، برندان جانوئری^۱ (۲۰۰۸)، هیدر واگنر^۲ (۲۰۱۰) و نیکی کدی (۱۳۹۰) کوشیده‌اند روایت متفاوتی از روند پیروزی انقلاب اسلامی و گروه‌های نقش‌آفرین در آن ارائه دهند. این آثار اگرچه به خواننده کمک می‌کنند فرایند پیروزی انقلاب اسلامی را بهتر و کامل‌تر فهم نمایند اما دغدغه اصلی پژوهش حاضر که کنشگری سیاسی روحانیت در دهه ۱۳۴۰ شمسی و میزان همراهی آن با امام خمینی (ره) است را نشان نمی‌دهند. همچنین در این آثار و سایر کتاب‌ها و مقالات منتشر شده مکاتبات امام خمینی (ره) با مبارزین و یاران به شکلی کمی و کیفی مورد بررسی قرار نگرفته است. به همین خاطر می‌توان گفت پژوهش حاضر از هر لحاظ دارای نوآوری و فاقد نمونه مشابه داخلی و خارجی است.

چارچوب نظری

گلدستون انقلاب را سرنگونی قهرآمیز یک حکومت از طریق بسیج عمومی چه در شکل غیرنظامی یا در شکل نظامی آن می‌داند که به نام عدالت اجتماعی صورت می‌گیرد تا نهادهای سیاسی

¹ - Brendan January

² - Heather Lehr Wagner

جدیدی تأسیس نماید (گلدستون، ۱۳۹۶: ۱۹). آنچه در تعریف فوق مهم و گام اولیه به نظر می‌رسد «بسیج عمومی» است. اینکه دقیقاً از کی، چگونه، با چه کیفیتی و از طریق چه ابزارهایی تحقق پیدا می‌نماید. گلدستون مساله بسیج عمومی را نه تنها در تعریف انقلاب بلکه به عنوان یکی از شرایط لازم برای وقوع انقلاب نیز برمی‌شمرد. وی معتقد است برای اینکه یک دولت سرنگون شود باید شماری از مؤلفه‌ها به کار گرفته شود که عبارتند از: دولت باید از دیدگاه ملت به طور قاطع غیرعادلانه و بی‌کفایت به نظر برسد، به نحوی که تهدیدی برای آینده کشور تلقی گردد؛ نخبگان (به ویژه نظامیان آن کشور) باید نسبت به دولت بیگانه شده و تمایل چندانی برای حمایت از آن نداشته باشند؛ بخش عمده‌ای از ملت باید بسیج شوند و قدرت‌های خارجی نیز می‌بایست از هرگونه اقدامی در جهت کمک به دولت خودداری نمایند یا آن را در استفاده بیش از حد ابزار قهرآمیز تحت فشار قرار دهند (گلدستون، ۱۳۹۷: ۲۷۵-۲۸۴). چارلز تیلی نیز از وجود سه شرط سیاسی ضروری و یک شرط تسهیل‌کننده برای وقوع انقلاب خبر می‌دهد: ۱- ظهور مدعیان یا ائتلاف‌هایی از مدعیان قدرت که ادعاهایی را درخصوص کنترل حکومت اقامه کنند. ۲- تعهد بخش قابل ملاحظه‌ای از پیروان به این ادعاها. ۳- عدم تمایل یا ناتوانی عوامل حکومت برای سرکوب ائتلاف جدید یا سست‌نمودن تعهد پیروان به ادعاهای این ائتلاف و شرط تسهیل‌کننده یعنی تشکیل ائتلاف‌هایی میان اعضای جامعه سیاسی و مدعیانی که ادعاهایی جدید را مطرح می‌سازند (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۱-۸۲). آنچه از مباحث فوق بدست می‌آید این است که چگونگی همراه ساختن افراد جامعه با ادعاهای انقلابی و تشکیل یک شبکه و ائتلاف گسترده بسیار مهم و حیاتی است. به نظر می‌رسد در انقلاب اسلامی ایران این حرکت از سال ۱۳۴۱ آغاز گردید اما مسیر یکنواختی را پشت سر نگذرانده است. در واقع سه دوره برای تشکیل این بسیج عمومی و کسب همراهی قابل شناسایی است: نیمه اول دهه ۱۳۴۰ که همراهی گسترده روحانیت مستقر در قم و نجف با امام خمینی (ره) را شاهد هستیم. نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ که این همراهی رو به ضعف می‌نهد و شکل سکون به خود می‌گیرد و نیمه اول دهه ۱۳۵۰ که با موجی از همراهی فراگیر از سوی روحانیت جوان با انقلاب و آرمان‌های آن توأم است. مقاله حاضر درصدد بررسی دو موج اول این همراهی و میزان و کیفیت آن در مهمترین رخدادهای دهه ۱۳۴۰ است.

لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی: نخستین آوردگاه

موضوعگیری در ماجرای انجمن‌های ایالتی و ولایتی نخستین آوردگاه روحانیت برای مبارزه با سیاست‌های شاه بود. در حالی که در ۸ سال منتهی به ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ کنش سیاسی خاصی از سوی روحانیت دیده نشد؛ درگذشت آیت‌الله بروجردی، مرجع تقلید نامعتقد به دخالت در سیاست، خطر کمونیسم الحادی و ضرورت مبارزه با آن و سیاست‌های جدید اقتصادی-اجتماعی شاه انگیزه روحانیت برای مبارزه را بیشتر کرد. امام خمینی (ره) که پیش از آن با نامه تاریخی ۱۳۲۳/۲/۱۵ درخصوص تحلیل آسیب شناسانه قیام‌های گذشته (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۳-۲۱)، و موضوعگیری نسبت به انتخابات مجلس موسسان ۱۳۲۸ (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۶) کنشگری سیاسی خود را آشکار ساخته بود؛ با ماجرای انجمن‌های ایالتی - ولایتی به نقطه ثقل تحولات سیاسی بازگشت.

در ماجرای انجمن‌های ایالتی-ولایتی روحانیت یکپارچه و منسجم وارد مبارزه شد. برخلاف جنبش ملی شدن صنعت نفت که حاصل ائتلاف روحانیت و روشنفکران بود، در اعتراض به لایحه انجمن‌های ایالتی-ولایتی، روحانیت بدون روشنفکران، مبارزه را آغاز کرد. در ماده ۹۱ و ۹۲ متمم قانون اساسی مشروطه بر تشکیل انجمن‌ها تأکید شده بود. در ماده ۷ و ۹ نظام نامه انجمن، مصوب مجلس اول، محرومین از رأی مشخص شدند که زنان یکی از آنان بودند. دولت اسدالله علم، با تغییراتی در نظامنامه «اولاً قید اسلام را از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌ها برداشت؛ ثانیاً در مراسم تحلیف به جای قرآن، کتاب آسمانی نوشت. ثالثاً ذکوریت از شرایط مذکور حذف و به جای آن باسواد قید گردید (مدنی، ۱۳۹۱: ۶۲۲). پس از سخنرانی‌ها و تلگراف‌های امام خمینی (ره) و مراجع تقلید (ر.ک: جدول شماره ۱) و حمایت‌های اقشار مختلف مردم از آنها، شاه و دولت عقب‌نشینی کردند (عاقلی، ۱۳۷۰: ۱۴۷).

جدول شماره ۱: نخستین واکنش سیاسی روحانیت به لایحه انجمن‌های ایالتی-ولایتی

نام روحانی مخالف	مخاطب روحانیون	موضوع جلسه	نوع واکنش	زمان
امام خمینی	دولت علم	لغو شرایط جدید انجمن‌های ایالتی و ولایتی	مشورت	۱۳۴۱/۷/۱۶
محمد رضا گلپایگانی	دولت علم	لغو شرایط جدید انجمن‌ها	مشورت	۱۳۴۱/۷/۱۶
محمد کاظم شریعتمداری	دولت علم	لغو شرایط جدید انجمن‌ها	مشورت	۱۳۴۱/۷/۱۶
مرتضی حائری	دولت علم	لغو شرایط جدید انجمن‌ها	مشورت	۱۳۴۱/۷/۱۶

(منبع: گردآوری شده توسط نویسندگان، ۱۴۰۲)

این نخستین جلسه سیاسی روحانیت بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به شکل دسته جمعی بود. اهمیت آن برگزاری در تراز مرجعیت داخل بود. در جنبشهای گذشته قیام تنباکو و مشروطه- مراجع تقلید مصون از کیفر و در خارج از ایران بودند. در نتیجه سنگینی مبارزه و هزینه‌های آن بر دوش مجتهدین غیر مرجع یا مراجع بی‌رساله بود، ولی با تشکیل نخستین جلسه مذکور این نقص مبارزاتی برطرف گردید.

جدول شماره ۲: دومین واکنش سیاسی روحانیت به لایحه انجمن‌های ایالتی-ولایتی

نام روحانی	مخاطب	موضوع جلسه	نوع تصمیم	تاریخ
محمدرضا گلپایگانی	شاه	لغو شرایط جدید انجمنها	تداوم جلسات، اطلاعیه علمای بلاد، لغو فوری انجمن‌ها	۱۳۴۱/۷/۱۷
امام خمینی	شاه	لغو	تداوم....	۱۳۴۱/۷/۱۷
محمد کاظم شریعتمداری	شاه	لغو....	تداوم....	۱۳۴۱/۴/۱۷
شهاب‌الدین مرعشی	شاه	لغو ...	تداوم...	۱۳۴۱/۴/۱۷
محمود موسوی داماد	شاه	لغو....	تداوم....	۱۳۴۱/۴/۱۷
احمد زنجانی	شاه	لغو....	تداوم....	۱۳۴۱/۴/۱۷
عبدالباقی عراقی	شاه	لغو....	تداوم....	۱۳۴۱/۴/۱۷
هاشم آملی	شاه	لغو....	تداوم..	۱۳۴۱/۴/۱۷
مرتضی حائری	شاه	لغو..	تداوم....	۱۳۴۱/۴/۱۷

(منبع: گردآوری شده توسط نویسندگان، ۱۴۰۲)

این جلسه ۱۰ نفره یک گام از جلسه پیش به لحاظ تاریخی تکامل یافته‌تر می‌باشد. نخست این که تعداد اعضای مدعو به جای ۴ نفر ۱۰ نفر شدند. دوم این که تصمیم گرفتند علمای شهرستانها را نیز درگیر مبارزه کنند تا مبارزه سطح و عمق ملی داشته باشد. سوم این که تصمیم گرفتند در هفته یک بار و در صورت نیاز دوبار با هم بنشینند تا صلابتی واحد و قدرتمند از حوزه به جامعه و سیاست پژواک یابد. این آخرین جلسه ۱۰ نفره بود و بعداً هرگز چنین جلسه‌ای با این کثرت و تراز تشکیل نشد. بعد از این جلسه مراجعی چون احمدحسینی زنجانی، محمد موسوی، هاشم آملی و مرتضی حائری مشترکاً به شاه نامه زدند (دوانی، ۱۳۹۴: ۵۲) ولی آیات عظام امام خمینی (ره)، شریعتمداری و گلپایگانی هر یک جداگانه با ارسال تلگراف‌هایی مخالفت خود را به محمدرضا شاه اعلام کردند. در متن تلگراف امام خمینی (ره) به شاه اینگونه آمده بود «بر خاطر همایونی مکشوف است که صلاح مملکت در حفظ احکام دین مبین اسلام و آرامش قلوب است. مستدعی است امر

فرمایید مطالبی را که مخالف دیانت مقدسه و مذهب رسمی مملکت است از برنامه‌های دولتی و حزبی حذف نمایند تا موجب دعاگویی ملت مسلمان شود» (صحیفه امام، ج ۱: ۷۸).

آیات عظام محمد رضا گلپایگانی، سید محمد کاظم شریعتمداری، امام خمینی (ره)، و سید شهاب الدین مرعشی نجفی جداگانه و محمد موسوی داماد، احمد حسینی زنجانی، هاشم آملی و مرتضی حائری مشرکاً اسدالله علم را مخاطب قرار دادند. این که آیا این تلگرافات جداگانه، راهکار جلسه فوق بود یا ابتکار عمل سیاسی خود روحانیون، روشن نیست. در هر صورت به غیر از علمای قم، علمای تهران هم به ارسال تلگراف به نخست‌وزیر اقدام کردند. در نهایت، دولت اسدالله علم بعد از تعلل و تأخیرات فراوان بالاخره در برابر فشار نسبتاً هماهنگ علما، لایحه را لغو کرد.

نکته قابل تأمل این است که همه روحانیون در مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی-ولایتی با مراجع عظام، هم‌نوا نبودند بلکه مجتهدین موافق لایحه هم وجود داشتند. محمد خالصی زاده برخلاف مراجع، «با حق رأی زنان نیز موافق بود و به آن از باب برابری زن و مرد در اجرای امر به معروف و نهی از منکر و مشارکت هر دو در ایجاد دولت اسلامی می‌نگریست» (مختاری اصفهانی، ۱۴۰۱: ۹۰). احمد موسوی خوانساری هم چندان مبارزاتی ظاهر نشد. به نحوی که اعلامیه ایشان برای برگزاری مجلس روضه به مناسبت شهادت حضرت زهرا بدون اشاره به لایحه انجمن‌های ایالتی-ولایتی با انتقاد تند امام خمینی (ره) مواجه شد «اصل اقدام به موقع و لازم لیکن کیفیت آن خیلی نارسا و سست است» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۸۵). او در اعلامیه خود فقط نوشته بود چون در برابر مخالفت علما «از طرف مقامات مربوطه ترتیب اثر داده نشده است، لهذا جامعه‌ی روحانیون تهران در مسجد سید عزیز الله مجلس دعا تشکیل خواهند داد» (دوانی، ۱۳۹۴: ۱۴۱). ذکر دعا بدون اشاره به مسائل روز یقیناً مورد نظر امام خمینی (ره) نبود و نشانگر تفاوت موضع دو مرجع تقلید است. حتی پس از لغو جلسه فوق و صدور اعلامیه از سوی آیات عظام گلپایگانی و مرعشی نجفی درباره اعلام حسن نیت دولت و لغو لایحه، امام خمینی (ره) این اقدام دولت وقت را کافی ندانستند و اعلام آن در جراید و رادیو را مطالبه کردند (ر.ک: بهبودی، ۱۳۹۶).

مواضع روحانیت در خصوص انقلاب سفید

آوردگاه دوم مواجهه روحانیت با شاه در فروردین مربوط به انقلاب سفید رقم خورد. در همه پرس‌و‌پرسی ششم بهمن ۱۳۴۱ مقرر شد درباره «الغای رژیم ارباب رعیتی با تصویب اصلاحات ارضی ایران، ملی کردن جنگلها در سراسر کشور، فروش سهام کارخانجات دولتی به عنوان پشتوانه

اصلاحات ارضی، سهم کردن کارگران در منافع کارگاههای تولید و صنعتی، اصلاح قانون انتخابات، ایجاد سپاه دانش به منظور تعلیمات عمومی و اجباری» نظرخواهی شود (افراسیابی، ۱۳۳۷: ۳۲۵). در واکنش به این حرکت روحانیت یک بار دیگر دست به اعتراض زدند. کنشگری سیاسی آنها از اعلام نگرانی شدید نسبت به این اقدام تا مخالفت و تهدید شاه را دربرگرفت (ر.ک: جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: واکنش روحانیت به رفتار دوم انقلاب سفید

نام فقیه	سرشت موضعگیری	شیوه موضعگیری	تاریخ موضع گیری
امام خمینی	مخالف همه‌پرسی	صدور اعلامیه/تحریم همه‌پرسی	۱۳۴۱/۱۱/۲
ابوالقاسم خوئی	مخالفت با همه‌پرسی	تلگراف به آیت الله بهبهانی	نامعلوم
احمد موسوی و محمد موسوی	اعلام نگرانی شدید روحانیون و مسلمین، زبان نصیحت و مذاکرات	اعلامیه مشترک دو امضایی تحریم همه پرسی	نامعلوم
جامعه روحانیت مرکز	مخالفت با همه‌پرسی	اعلامیه خطاب به ملت مسلمان	نامعلوم
ابوالقاسم موسوی خوئی	تهدید شاه به واسطه حمله به مدرسه فیضیه قم و طلاب و مسئول دانستن او	تلگراف از نجف	نامعلوم
محسن حکیم	اظهار ناراحتی نسبت به بی حرمتی به مراجع ایران و مردم مخالف همه‌پرسی	تلگراف از نجف خطاب به شریعتمداری؛ محمدباقر آشتیانی، میرزا عبدالله تهرانی	نامعلوم
جامعه روحانیت تهران	زمینه سازی برای شکستن تحریم منابر به پیشنهاد امام خمینی	اعلامیه عمومی خطاب به برادران ایمانی	۴۱/۱۱/۱۴
هیئت علمیه نجف اشرف	تقدیس مبارزات، دعوت به پایداری، هوشیاری و بیداری	اعلامیه باعنوان ملت مسلمان ایران و غیرتمند	نامعلوم

(گردآوری شده توسط نویسندگان، ۱۴۰۲)

نکته قابل تأمل درخصوص واکنش علما این است که در موضوع همه پرسی ششم بهمن ۱۳۴۱ هیچ نشانه‌ای از موضعگیری مراجعی چون محمدرضا گلپایگانی، محمدکاظم شریعتمداری و شهاب‌الدین حسینی و مرعشی نجفی نیست و فقط ۱۴ تن به اعلام نظر پرداختند (دوانی، ۱۳۹۴: ۲۳۴-۱۹۵). این درحالی است که در اعتراض به لایحه انجمن‌های ایالتی-ولایتی جمعاً ۴۰۷ تن از روحانیون موضعگیری داشتند (گردآوری نویسندگان، ۱۴۰۲) این کاهش بیش از هر چیز نشانگر سیاست‌گریز بودن روحانیت و عدم آمادگی کامل آنها برای ورود به میدان مبارزه سیاسی است.

مواضع روحانیت در خصوص حمله به فیضیه

سال ۱۳۴۲ با جوی آکنده از دشمنی بین روحانیت و سلطنت آغاز شد. شاه برحسب سنت، آماده استقبال از سال نو بود اما امام خمینی (ره) با صدور اعلامیه‌ای خطاب به علمای اعلام و حجج اسلام اعلام عزای عمومی کردند: «چنانچه اطلاع دارید دستگاه حاکمه می‌خواهد با تمام کوشش به هدم احکام ضروریۀ اسلام قیام؛ و به دنبال آن مطالبی است که اسلام را به خطر می‌اندازد. لذا اینجانب عید نوروز را به عنوان عزا و تسلیت به امام عصر - عجل‌الله تعالی فرجه - جلوس می‌کنم و به مردم اعلام خطر می‌نمایم. مقتضی است حضرات آقایان نیز همین رویه را اتخاذ فرمایند تا ملت مسلمان از مصیبت‌های وارده بر اسلام و مسلمین اطلاع حاصل نمایند» (صحیفه امام، ج ۱: ۱۵۶). آیات عظام محمدکاظم شریعتمداری، محمد هادی میلانی، محمد موسوی بهبهانی و ۴۶ روحانی مقیم تهران این راهکار امام را پذیرفتند (دوانی، ۱۳۹۴: ۲۴۲-۲۳۶). درحالی‌که در برابر همه پرسشی ششم بهمن ۱۳۴۱ فقط ۱۴ روحانی موضع گرفتند در اعلامیه اخیر ۴۹ نفر با تصمیم امام همراهی کردند و این از افزایش ضریب مخالفت روحانیت با سلطنت حکایت داشت.

محمدرضا شاه برای نشان دادن اقتدار خود در ۲ فروردین ۱۳۴۲ دستور حمله به مدرسه فیضیه را صادر کرد، اما امام خمینی (ره) تهدید را به فرصت تبدیل کرد «ما از خدا می‌خواستیم که این دستگاه ماهیت خود را بروز دهد و خود را رسوا کند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۶۶). برای پشتیبانی از روحانیت مبارز ایران و محکومیت حمله به فیضیه علمایی همچون ابوالقاسم خوئی، شاهرودی، کاظم شریعتمداری، طلاب مدرسین آیت‌الله بروجردی نجف، ۱۰۱ نفر از علمای اصفهان، ۱۲ نفر از علمای خرم آباد، جامعه‌ی روحانیت تهران، ۲۴ نفر از علمای فارس، ۲۶ تن از علمای کرمان، ۱۴ نفر از علمای کرمانشاه، ۱۵ تن از علمای همدان و ۱۱ تن از علمای یزد، طلاب مدرسه قوام نجف، هیئت علمای مدرسه وسطای نجف و ۲۹ تن از علمای نجف در محکومیت حمله به فیضیه موضع گرفتند (گردآوری نویسندگان، ۱۴۰۲).

تعاملات مراجع تقلید نجف و قم بعد از حمله به فیضیه ادامه یافت. آیت‌الله محسن حکیم از آیات عظام امام خمینی (ره)، شریعتمداری، سیدمحمدرضا گلپایگانی و مرعشی نجفی خواستند که به نجف هجرت کنند که با پاسخ منفی هر ۴ تن مواجه شد. همچنین جمعی از علمای ایران در مکاتبه‌ای با آیت‌الله خوئی از او خواستند که چون «در کشوری زندگی می‌کنید که محدودیتها وجود ندارد برای این ۲۵ میلیون مسلمان و اکثرأ شیعه چاره‌جویی فرمایید. وضع ایران و انقلاب اسلامی را به سایر ممالک اسلامی اطلاع دهید» (دوانی، ۱۳۹۴: ۳۰۷). آیت‌الله خوئی تا اواسط دهه ۱۳۴۰ با این

خواسته همراهی کردند ولی از ۱۳۴۵ به بعد به این همکاری ادامه ندادند. به مناسبت چهل‌م حمله به فیضیه روحانیت و مرجعیت بار دیگر به تقابل با نیروی سلطنت برخاستند. اعلامیه آیات عظام امام خمینی (ره)، مرعشی نجفی، شریعتمداری، اعلامیه حوزه علمیه قم، اعلامیه ۱۹ تن از علمای رشت نمونه‌هایی از موضعگیریهای روحانیت علیه سلطنت است. در این کنشگری از سوی آیت‌الله میلانی، گلپایگانی و دیگر علمای شهرستانی هیچ فعالیتی ثبت نشده است.

روحانیت و قیام ۱۵ خرداد

اعلامیه امام خمینی (ره) خطاب به سخنرانان مذهبی برای سخن گفتن علیه محورهای ممنوعه ساواک، سخنرانی تاریخی آیت‌الله محمدتقی فلسفی و استیضاح دولت با شعار صحیح است صحیح است، مکاتبه امام خمینی (ره) با آیت‌الله فلسفی و تشویق ایشان و تشویقنامه آیت‌الله شریعتمداری برای آیت‌الله فلسفی نمونه‌هایی از تداوم موضعگیری مبارزاتی روحانیت علیه سلطنت بود. در این مرحله امام خمینی (ره) به صدور اعلامیه‌ها بسنده نکرد و در مدرسه فیضیه به سخنرانی علیه شاه پرداخت. سخنرانی که به منزله گسست کامل او از سلطنت بود. عباراتی چون «بدبخت، بیچاره، ۴۵ سال از عمرت میره، یک کمی تأمل کن، یک کمی تدبر کن، یک قدری عواقب امور را ملاحظه کن، کمی عبرت بگیر، عبرت از پدرت بگیر» (روحانی، ۱۳۷۴: ۴۹۹) را هیچ مرجع تقلیدی تا آن زمان بیان نکرده بود. دستگیری ۵۷ نفر از سخنرانان مذهبی پس از سخنرانی امام خمینی (ره) توسط ساواک، از جمله حسن قمی طباطبایی در مشهد، بهاء‌الدین محلاتی در شیراز، بخشی از پاسخ تند شاه به سخنرانی امام خمینی (ره) بود. حمله‌ای که با دستگیری امام خمینی (ره) در شب ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و به دنبال آن قیام ۱۵ خرداد تکمیل گردید.

روحانیت به دستگیری امام خمینی (ره) واکنش تندی نشان داد. ۵۰ نفر از ائمه جماعات تهران به همراه آیات عظام احمد آشتیانی، محمدتقی آملی، شهاب‌الدین مرعشی نجفی، کاظم شریعتمداری، آیت‌الله محمدرضا گلپایگانی، احمد موسوی خوانساری، میرسیدمحمد بهبهانی، و حاج میرزا عبدالله تهرانی، ۵۲ نفر از مجتهدین نجف، کاظمین، کویت، لبنان، همدان، کرمانشاه، قم، گرگان، رشت و مشهد این اقدام را محکوم کردند. آیت‌الله شاهرودی و شیخ محمود شلتوت از مصر به شاه تلگراف زدند. جامعه روحانیت آذربایجان، شورای مرکزی روحانیت تهران اعلامیه‌هایی صادر کردند (دوانی، ۱۳۹۴: ۴۲۰-۳۹۹). همه اینها گویای این نکته بود که بین روحانیت یکپارچگی وجود دارد.

مهاجرت مراجع و علما از شهرستانهای ایران به تهران برای زیر فشار قراردادن پهلوی دوم جلوه دیگری از این اعتراضات بود. در این تجمعات اعتراضی ۴۷ تن از مراجع تقلید و روحانیون در تهران شرکت کردند. بازاریان به پشتیبانی روحانیت بازارها را بستند. همزمان ۲۰ نفر از علمای تبریز، ۳۳ نفر از علمای نجف آباد، ۳۲ از علمای شهرستانهای ایران با تلگرافاتی خطاب به امام خمینی (ره)، آیات عظام قمی و محلاتی به حمایت از آنان پرداختند (دوانی، ۱۳۹۴: ۴۵۵-۴۵۳). مجتهدان معترض تا ۱۵ مهرماه ۱۳۴۲ در تهران ماندند. این تجمعات امام خمینی (ره) را از گزند اعدام رها نمود ولی تا فروردین ۱۳۴۳ در زندان و حصر خانگی نگه داشت. همچنین نسبت به چهل شهید ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ علمای بسیاری موضع حمایتی گرفتند. آیات عظام مرعشی، میلانی، رفیعی قزوینی، ۱۵ عالم اصفهان، محسن حکیم، محمدکاظم شریعتمداری در دفاع از امام خمینی (ره) و آزادی ایشان به اعلام موضع پرداختند.

مواضع روحانیت در خصوص کاپیتولاسیون

با سخنرانی و اعلامیه‌ی ۴ آبان ۱۳۴۳ امام خمینی (ره) علیه کاپیتولاسیون، روحانیت وارد نبرد دیگری علیه شاه شد. نتیجه نبرد تبعید امام خمینی (ره) به ترکیه و سپس نجف اشرف بود. این اقدام واکنش علمای حوزه را به همراه آورد (ر.ک: جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴: مواضع روحانیت نسبت به پذیرش کاپیتولاسیون

نام عالم	شیوه موضع گیری	نام رویداد	چکیده موضع
شهاب‌الدین مرعشی نجفی	صدور بیانیه	تبعید امام خمینی	جرم حاکمیت و فراموش ناپذیری این جرم
هادی میلانی	صدور بیانیه	تبعید.....	لسانِ ناطقِ مجامع روحانی و دینی
حسن طباطبایی قمی	صدور بیانیه	تبعید.....	خواستار استیفاء الله خمینی خواسته واقعی همه مسلمانان جهان
هادی میلانی	صدور بیانیه	تبعید.....	قلوب مردم با ایمان متوجه شماسست، مثل ابوذر و عمار
محمد رضا گلپایگانی	صدور بیانیه	تبعید امام خمینی و علیه مطبوعات مهاجم	روحانیت، مرجع صلاحیدار در نقص و ابرام قوانین
محمدکاظم شریعتمداری	صدور بیانیه	تبعید امام خمینی	فاجعه ناگوار، تأثر تأسف: کوتاهی نخواهم کرد
مرعشی نجفی	صدور تلگراف به امام خمینی	تبعید امام خمینی	تأثیرات عمیق خود و حوزه، ملت و روحانیت

سیدابوالقاسم خوئی	صدور تلگراف به محمدرضا گلپایگانی	تبعید	اخبار موحشه، ابراز نگرانی، از سلامت خود اطلاع دهید!!
ابوالحسن حسینی قزوینی	صدور تلگراف	تبعید	اعلام امام خمینی به عنوان یکی از مراجع، میهمان نوازی ترکها
۲۰ عالم و روحانی تهران	نامه به سفارت ترکیه در ایران	تبعید	خواسته خمینی خواست عموم دینداران و استقلال طلبان
۱۳ روحانی جامعه علمای آبادان	مکاتبه با امام خمینی	تبعید	تأسف بسیار، اشک ریزی هزاران فاضل
۱۲ روحانی شیرازی	مکاتبه با امام خمینی	تبعید....	هماهنگی با مواضع ایشان، تفرشدید از تبعید
علی بهبهانی	صدور اعلامیه	تبعید....	پشتیبانی از امام خمینی
میرزا عبدالله تهرانی	نامه به رئیس جمهور ترکیه	تبعید....	تجلیل از امام خمینی و اعلام خبر سلامتی ایشان
هادی میلانی	نامه به مرتضی پسندیده	تبعید....	سکوت: خشودی ظالمان، اعتراض کاری پیامبرانه است
مرعشی نجفی	بیانات: شروع تدریس	مطبوعات مهاجم به روحانیت	دفاع مستند از روحانیت و امام خمینی در برابر مطبوعات مهاجم
هادی میلانی	انتشار فراهخوان حمایت از امام خمینی	تبعید	اتحاد کلمه و توسل به امام عصر برای رفع مشکل
هادی میلانی	مکاتبه با محمد تقی آملی	تبعید....	خواست امام خمینی خواست ما، رفتن به ملاقات زندانیان، کمک به بینوایان در زمستان، دعای توسل به امام عصر
مرعشی نجفی	اعزام محمود مرعشی به ترکیه	تبعید....	دیدار با خمینی و اطمینان از سلامتی ایشان ۱۱ دی ۱۳۴۳
۲۹ روحانی حوزه قم	استفنا از میلانی و مرعشی نجفی	تبعید	استفنا تکلیف در صورت تضیقات علیه امام خمینی
هادی میلانی	پاسخ به چه باید کرد؟ ۲۹ روحانی قم	تبعید....	بیان مستدل مصالح و مقاسد، تعدیبات، اختناق به دین، مراقبت از آرامش، جلوگیری شورش و انقلاب
مرعشی نجفی	پاسخ به چه باید کرد؟	تبعید....	بیان مستدل مصالح

(منبع: گردآوری شده توسط نویسندگان، ۱۴۰۲)

صدارت هویدا و پیگیری خواسته‌های قبلی از سوی روحانیت

با ترور حسنعلی منصور از سوی موئتلفه اسلامی امیرعباس هویدا به نخست‌وزیری رسید. همگان دولت وی را مستعجل می‌پنداشتند ولی تا شهریور ۱۳۵۶ بر این جایگاه ماند. پس از انتصاب وی ۲۱۹ نفر از روحانیون در مکاتبه با او خواهان بازگشت امام خمینی (ره) از تبعیدگاه ترکیه شدند، اما این خواسته اجابت نشد (ر.ک: جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵: علمای متقاضی بازگشت امام خمینی (ره) به وطن

نام و نام خانوادگی	شیوه موضع گیری	چکیده موضع
ابوالقاسم خوئی	تلگراف	لغو نفوذ صهیونیسم، لغو قوانین ضد اسلام، بازگشت امام خمینی
۵۴ فاضل حوزه قم	نامه سرگشاده، رونوشت برای رئیس دیوانعالی کشور	اعتراض به خفقان، سانسور، تفتیش عقاید، بازگشت امام خمینی
۵۴ نفر از فضلالی شیرازی مقیم حوزه قم	نامه سرگشاده	تجدیدنظر در رویه خویش، لغو مصوبات خلاف قانون و مراجع، عودت امام خمینی، آزادی زندانیان سیاسی، لغو سانسور
۲۶ نفر از فضلالی کرمانی مقیم حوزه قم	نامه سرگشاده	تجدید نظر....
۴۲ روحانی گلپایگانی مقیم قم	نامه سرگشاده	استخلاص امام خمینی و دیگر زندانیان مسلمان، تحقق آرمانهای مقدس اسلامی
۲۳ فاضل اشکوری مقیم حوزه قم	نامه سرگشاده	ملغی شدن مصوبات خلاف شرع/قانون اساسی ایران، عودت امام خمینی، آزادی زندانیان بی گناه
۱۲ روحانی خرم آباد	نامه سرگشاده	الغا مصوبات ضد دینی، ارجاع مرجع تقلید شیعیان، آزادی زندانیان بیگناه، رفع خفقان عمومی
۸ روحانی کرمانی	نامه سرگشاده	آزادی امام خمینی و زندانیان، محصلین و کسبه و تجار
محصلین مدرسه بروجردی نجف	نامه سرگشاده به مجلس ترکیه	واسطه‌ی اصلاح و آزادی امام خمینی
۱۶ فاضل و عالم حوزه علمیه نجف	نامه سرگشاده به رئیس جمهور ترکیه	گرامی داشتن مقام میهمان و پذیرایی مناسب مقام رفیع و مرتبه بلند امام خمینی

(منبع: گردآوری شده توسط نویسندگان، ۱۴۰۲)

مواضع روحانیت در سال ۱۳۴۴

سال ۱۳۴۴، سال یادبود رویدادهای تلخ گذشته بود. از آن جاکه روحانیت به نقش راهبردی یاد و مناسک کاملاً آگاه بود نسبت به برگزاری آیین‌های مربوطه اهتمام جدی ورزید. برگزاری این «آئین‌ها و مناسک شیوه‌ای از آموختن و اجتماعی کردن برای اعضای جامعه» بود (دورکیم، ۱۳۸۷: ۱۲). راهی برای هویت بخشیدن، ماندگار کردن آن در خاطره‌ها و انتقال احساسات و ارزش‌ها بود (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۷۶۷). بنابراین با این تلاش‌ها ۱۵ خرداد در ذهن‌ها باقی ماند و تبدیل به مبدأ انقلاب اسلامی گردید. این یادبودها یکبار دیگر تقابل روحانیت با پهلوی را سبب گردید. در این رویدادها جمعی از یاران امام خمینی (ره) دستگیر شدند. این بار نوع کنشگری سیاسی نیز متفاوت گردید. برای نخستین بار آیت‌الله خوئی با تلگراف به سازمان ملل و سران ممالک اسلامی وضع ایران را تشریح کرد. ۴۵ تا ۶۰ نفر از روحانیون در منزل امام خمینی (ره) در قم بست نشستند و تلگراف‌هایی برای جامعه اهل علم کربلا ارسال شد (ر.ک: جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶: کنشگری سیاسی روحانیت در سال ۱۳۴۳

نام کنشگر	نام رویداد	سرشت کنش	زمان
علی اکبر ناطق نوری	سالگرد فیضیه قم	یاد بود شهدا	اوائل فروردین ۱۳۴۴
عبدالرسول تهرانی	سالگرد فیضیه قم	بازگویی جنایت روز حمله	۲۵ شوال ۱۳۸۹
ربانی شیرازی، انصاری، شیرازی، صادق خلخالی، اکبر هاشمی	دستگیری برای دومین بار	زندانی شدن	خرداد ۱۳۴۴
حسن قمی	مخالفت باتصویب قانون حمایت از خانواده	تبعید به زاهدان، خاش، کرج، میگون، به مدت ۱۷ سال	خرداد ۱۳۴۴
فلاح یزدی	مقاله خوانی برای زوار نوزدی	ذکر ۴۸ نفر روحانی زندانی	عید ۱۳۴۴
۵۲ نفر از مدرسین و طلاب	استفتا از عبدالله شیرازی	صدور حکم اعدام شاخه مسلح موتلفه	خرداد ۱۳۴۴
محسن حکیم	تلگراف به احمد آشتیانی	اعتراض به حکم دادستان در اعدام موتلفه و اخطار به دولت	خرداد ۱۳۴۴
۱۰ عالم فارس	نامه به هادی میلانی	درخواست تبیین ماهیت حکم اعدام	خرداد ۱۳۴۴
۴۵ تا ۶۰ نفر از روحانیون	بست‌نشینی در منزل امام خمینی	اعتراض به حکم تجدیدنظر دل بر اعدام موتلفه	۱۱ خرداد ۱۳۴۴
حسن طباطبایی قمی	صدور اعلامیه اعتراضی	ساکت نشستن در برابر تجاوز به حریم اسلام، قرآن، قانون اساسی	مرداد ۱۳۴۴

۱۳۴۴	اطلاع رسانی رویدادهای ایران	۷۰ تلگراف به سازمان ملل، سران ممالک اسلامی	ابوالقاسم خوئی
۱۳۴۴	در ایران چه می‌گذرد؟	تلگراف ۴ صفحه‌ای برای ۳۵ نفر از جامعه اهل علم کربلا	هیأت علمی شهر کربلا
۱۳۴۴	اطلاع از سلامتی امام خمینی	اعزام فرزندان برای اطلاع از وضع امام خمینی	محمدرضا گلپایگانی و کاظم شریعتمداری

(منبع: گردآوری شده توسط نویسندگان، ۱۴۰۲)

در این سال آیت‌الله حسن طباطبایی قمی روحانیت را دعوت به نفی سکوت کرد. در واکنش (مدرسین و فضالای حوزه در ۳ گروه ۱۵ تا ۲۰ نفره در منازل مراجع عظمی [گلپایگانی، شریعتمداری و نجفی] متحصن شدند) (دوانی، ۱۳۹۴: ۱۲۹) تحصنی که بدون اخذ نتیجه پایان یافت. در نهایت رژیم تصمیم گرفت محل تبعید امام خمینی (ره) را از ترکیه به عراق تغییر دهد. در نجف آیت‌الله حکیم، شاه‌رودی و خوئی از جمله علمایی بودند که نسبت به تغییر تبعیدگاه امام خمینی (ره) واکنش نشان دادند. روحانیون قم همچنان امیدوار بودند نامه‌ها و اعتراضات آنها شاه را وادار به تسلیم و بازگشت به ایران نماید. اما این مکاتبات بی‌حاصل ماند.

جدول شماره ۷: واکنش روحانیون نسبت به تغییر محل تبعید امام خمینی (ره)

کشگران روحانی	شیوه موضع‌گیری	چکیده موضع
۱۷۳ فاضل حوزه‌ی قم به هویدا و رئیس دیوان عالی کشور	نامه سرگشاده به امام خمینی	ادامه تبعید [امام] خمینی در هر جا موجب خشم است
۹۸۵ روحانی حوزه قم	نامه.....	تبعید شما مورد تفرغ عموم مردم ایران است
۶۹ طلبة و فاضل یزدی مقیم قم	نامه.....	آرزوی کوتاهی دست اجانب و حفظ استقلال ملت ومملکت
۳۶ مدرس و فاضل قم	تلگراف به امام خمینی	عدم حضور امام: سبب افسردگی شدید مردم
۳۰ روحانی نجف‌آباد	تلگراف....	آرزوی بازگشت امام خمینی
۳۵ روحانی کرمانی	نامه سرگشاده...	امید به بازگشت و پایان تبعید و بهره‌گیری علمی از ایشان درحوزه
۱۵۷ روحانی زنجان مقیم	نامه.....	تبعید امام: سبب نگرانی مردم و امید به پایان آن
۲۵۵ روحانی آذربایجان مقیم قم	نامه.....	ادامه تبعید موجب اضطراب، نگرانی ملت و روحانیت، آرزوی بازگشت

(منبع: گردآوری شده توسط نویسندگان، ۱۴۰۲)

روحانیت و مبارزه چریکی

حرکت مسلحانه علیه نظام حاکم برای روحانیت امر جدیدی نبود. آن‌ها پیشتر مبارزات میرزا کوچک‌خان جنگلی، عبدالحسین لاری، مصطفی کاشانی، مهدی خالصی، شیخ الشریعه اصفهانی، مهدی حیدری، علی تبریزی و سیدمجتبی میرلوحی (نواب صفوی) را علیه انگلستان دیده بودند. در پاییز سال ۱۳۴۴ ساواک یک حزب چریکی به نام حزب ملل اسلامی را شناسایی کرد. رهبر این گروه سیدکاظم بجنوردی فرزند آیت‌الله سیدحسن موسوی بجنوردی بود که در ۲۴ مهر ۱۳۴۴ دستگیر شد (رنجبر کرمانی، ۱۳۸۱: ۵۹-۸۱). در حزب مذکور، شیخ محمدجواد حجتی کرمانی هم عضویت داشت. بودن روحانی در مبارزه مسلحانه برای حاکمیت بسیار دشوار بود به گونه‌ای که «در روزنامه‌ها عکس شیخ محمدجواد حجتی کرمانی را بی‌عمامه انداختند که خود نشان دهنده وحشت رژیم شاه از روی آوردن روحانیت به انقلاب مسلحانه بود» (دوانی، ۱۳۹۴: ۱۵۰) حزب در اندیشه انقلاب چریکی بود به گونه‌ای که «معتقد بود که باید به رشد کمی خود ادامه داده و افراد را تربیت سیاسی و عملی نماید و در یک موقعیت مناسب دست به قیام زند و به دنبال آن جنگ توده‌ای بپا کند» (افراسیابی، ۱۳۶۷: ۴۸۱). روحانیت بدین ترتیب در مرحله اقدام نظامی بر دو سازمان مجاهدین و فدائیان خلق ایران، پیشی جسته بود. هرچند این اقدام راهبرد همه روحانیون نبود و از بین ۵۷ عضو دستگیر شده این حزب فقط ۱ نفر حوزوی بود. «وقتی که شاه حکم اعدام را امضا می‌کند. برای زیارت به مشهد می‌رود در مشهد ملاقاتی با آقای [احمد] کفایی داشت [که پسر] صاحب کفایه بود. آیت‌الله حکیم به آقای کفایی نامه نوشته بود و آقای کفایی با شاه مطرح می‌کند که آقای حکیم خواسته از شما که فلان کس را اعدام نکنید» (دهباشی، ۱۳۹۵/۱۱/۱۰) این گونه رهبر حزب از اعدام رهید و حکم حبس گرفت.

تداوم اعتراضات روحانیت در سال ۱۳۴۵-۱۳۵۰

شبکه مسجد و جماعات از ظرفیتهای بسیج‌کننده روحانیت شیعه بوده است. «مساجد عمده‌ترین ابزار روحانیت برای ارتباط با اقشار مختلف جامعه بودند و از طریق آنها ایدئولوژی انقلاب و پیام روحانیت به گوش مردم می‌رسید. همچنین، عامل اصلی بسیج تجار و بازاریان، مساجد بودند» (نظری و حسن پور، ۱۳۹۱: ۸۷). در پویش تاریخ، دولت‌ها را بر این ظرفیت، تسلطی نبود. استقلال مالی ناشی از اوقاف، امکان این استقلال فرهنگی و تشکیلاتی را میسر کرد. فلذا با شروع سال ۱۳۴۵ آن‌ها به مبارزات ادامه دادند. در جدول شماره ۸ رفتارهای مبارزاتی روحانیت در سال ۱۳۴۵ ذکر شده است.

جدول شماره ۸: اعتراضات روحانیت در سال ۱۳۴۵

نام مبارز یا مبارزان	نوع موضع	چکیده موضع
۷۸ روحانی حوزه قم	صدور بیانیه	گرامیداشت یاد و خاطره‌ی قیام ۱۵ خرداد با عنوان مجاهدین حوزه علمیه قم
نامه ۱۷۱ روحانی حوزه قم	صدور بیانیه اعتراضی	اعتراض به دستگیری حسینعلی منتظری و ۶ فقیه دیگر، تهدید پهلوی به فراهم سازی مقدمات انفجار عمیق در کشور
حوزه علمیه قم	بیانیه‌ی حمایت از اعتصاب دانشجویان دانشگاه تهران	حمایت از پیکار مقدس دانشجویان غیور و مبارز و مخالفت با وضع شهریه‌های سنگین
۱۶۳ روحانی حوزه قم	نامه سرگشاده به امام خمینی	انتقاد از ترور، اختناق، دیکتاتوری و آزادی کُشی در سراسر کشور و تبعید و زندانی شدن آیت الله منتظری و فرزندش و ۱۱ فقیه دیگر
حوزه علمیه قم	بیانیه بدون امضا	اعتراض به تعیین برنامه برای امتحان طلاب، توقیف رساله امام، توقیف و قاچاق کتابهای مفید و مخالف منافع بیگانگان، تشویق چاپ کتاب ضاله، مداخله در امور مساجد به بهانه حفظ آثار باستانی، تهدید علمای همدان و دعوت اجباری به مجالس و محافل دولتی، حمله به مدرسه بروجردی در کرمانشاه، جلوگیری از منبررفتن وعاظ
حسینعلی منتظری و عبدالرحیم شیرازی	نامه سرگشاده	اطلاع رسانی به ۹ مرجع تقلید ایران و نجف و مشهد و ۲۱ فقیه شهرستان‌های ایران، رئیس دیوانعالی کشور، روزنامه نیویورک تایمز، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد
۷۹ روحانی	حرکت از قم به خوانسار: مراسم شهید سیدکاظم قریشی	سخنرانی ابوالقاسم خزعلی و انصاری شیرازی، ذکر نام امام خمینی، دستگیری سخنرانان و زندانی شدن آنان

(منبع: گردآوری شده توسط نویسندگان، ۱۴۰۲)

از سال ۱۳۴۶ و با تشدید فشارهای ساواک بر مبارزین رکود مبارزاتی در میان روحانیون شکل گرفت. مراجع همتراز امام خمینی (ره) به درس و بحث حوزوی مشغول و از پرداختن به مسائل سیاسی روز پرهیز کردند. کنشگری امام خمینی (ره) در عراق نیز به نسبت قبل کمتر گردید. نامه‌ها و سخنرانی‌های امام در این سال گویای این مهم است (ر.ک: جدول شماره ۹).

جدول شماره ۹: فعالیت‌های سیاسی امام خمینی در سال ۱۳۴۶

نوع کنش	مخاطب	زمان	چکیده رفتار
نامه	علما و روحانیون قم، مشهد، تهران	۱۳۴۶/۳/۲۷	لژوم استقامت در برابر توطئه‌های رژیم شاه
نامه سرگشاده	امیر عباس هویدا	خرداد ۱۳۴۶	انتقاد از کارنامه سه ساله دولت هویدا
اعلامیه	عموم ملل اسلامی	۱۳۴۶/۳/۱۷	تحریم فروش اسلحه، نفت و روابط تجاری و سیاسی

	با اسرائیل		
نامه	اتحادیه انجمن‌های اسلامی اروپا	۱۳۴۶	نوید آتیه درخشان برای ملل مظلوم
سخنرانی	روحانیون نجف	۱۳۴۶/۱۷	توطئه رژیم برای نابودی اسلام و وابستگی کشور و حمله به منزل و مدارس ایشان در قم
تلگراف	منتظری و قضاوی	۱۳۴۶/۶	بشارت به بهشت و آرزوی توفیق و تأیید مخاطبان و حوزه
تلگراف	هادی میلانی	۱۳۴۶/۲۵	استفسار از دستگیری آیت‌الله قمی و اظهار تأسف

(منبع: گردآوری شده توسط نویسندگان از صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۵۱-۱۲۱)

در این سال درباره جنگ شش روزه فقط آیات عظام خمینی (ره)، بهال‌الدین محلاتی، علی موسی بهبهانی، عبدالله شیرازی موضع حمایتی گرفتند و سایر مراجع سکوت کردند. این عدم موضعگیری، نشانه عقب‌نشینی از مبارزه ضد اسرائیلی بود. پیش‌تر و در ۱۳ خرداد سال ۱۳۴۲ امام خمینی (ره) از فشار بر علما برای نپرداختن به مسائل مربوط به اسرائیل خبر داده بودند. «امروز به من اطلاع دادند که بعضی از اهل منبر را برده‌اند در سازمان امنیت و گفته‌اند شما سه چیز را کار نداشته باشید، دیگر هر چه می‌خواهید بگویید، یکی شاه را کار نداشته باشید؛ یکی هم اسرائیل را کار نداشته باشید؛ یکی هم نگوید دین در خطر است. این سه تا امر را کار نداشته باشید، هر چه می‌خواهید بگویید. خوب، اگر این سه تا امر را ما کنار بگذاریم، دیگر چه بگوییم؟! ما هر چه گرفتاری داریم از این سه تاست» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۸). به موازات کاهش حساسیت نسبت به تحولات بین‌المللی در تحولات سیاسی داخلی نیز روحانیت همانند سال‌های قبل فعال نبودند. در ماجرای آزادی حسینعلی منتظری از زندان در این سال خبری از شادمانی روحانیت نیست. حتی بعد از حمله به منزل و مدارس امام خمینی (ره) در قم، هیچ کس، مگر خود ایشان موضعی نگرفت. در مقام مقایسه تعداد نامه‌ها و تلگراف‌های امام در سال ۱۳۴۶ هفت مورد و تعداد صدور اجازه نامه (۹ فقره)، نامه‌های غیرسیاسی مالی و احوال پرسی ۲۱ فقره بوده است. این آمار گویای این است که ساواک تا حد زیادی قادر به مسلط شدن بر اوضاع امنیتی کشور گردیده است (گردآوری نویسندگان، ۱۴۰۲). تداوم روند فوق در سال ۱۳۴۷ نیز به خوبی می‌توان شاهد بود. از کل مکاتبات امام در این سال بیشترین آمار مربوط به اجازه نامه‌های شرعی ۲۲ مورد، احوال پرسی و تشکر ۱۳ مورد، نامه مبارزاتی ۶ مورد، شیوه مصرف وجوهات ۵ مورد و ۱ مورد پرسش شرعی است (ر.ک: جدول شماره ۱۰).

جدول شماره ۱۰: مکاتبات امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۷

نوع کنش	مخاطب	زمان	چکیده رفتار
نامه مبارزاتی	روحانیت	بدون تاریخ	تأسف از سازش بعضی از موثرین، وعده پیروزی،

بیانات مبارزاتی	دانشجویان دانشگاه بصره	۴۷/۱/۲۰	هشدار به جنگ دانشگاه و حوزه استعمارگران، انحطاط مسلمین: دوری از اسلام
نامه مبارزاتی	محمد شریعت اصفهانی	۴۷/۳/۱۵	اوضاع وخیم، فراموشی مجرم اصلی در تهران برتر دانستن پادشاهی در نجف، روحانیون: ساکنین/ناطقین مضر
مصاحبه مبارزاتی	نماینده جنبش فتح	۴۷/۷/۱۹	دادن وجوهات شرعی به فلسطینان مبارز، ادامه مبارزه و جهاد، قطع پیوند ملت ایران با اسرائیل، نفی نژادپرستی
نامه مبارزاتی	محمد رضا سعیدی	۴۷/۸/۱۴	حفظ سنگر مساجد، نگرانی از وضعیت حوزه‌ها، تندروی شاه و سهل انگاری حوزه، مأیوس نشدن، نقد حوزه در ۱۳۲۰
نامه مبارزاتی	محمد رضا سعیدی	بدون تاریخ	وخامت هر روزه‌ی اوضاع، منع ترک امامت جماعت، نگهداشت سنگر برای اعتراض دسته جمعی
اجازه نامه	۲۲ نفر	کل سال ۴۷	گردآوری وجوهات شرعی و ارسال نصف آن به امام خمینی (ره)
تشکر و احوالپرسی	۱۳ نفر	کل سال ۴۷	تعارفات ایرانی
شیوه صرف وجوهات	۵ نفر	کل سال ۴۷	مصرف وجوهات شرعی
مسائل شرعی	۱ نفر	کل سال ۴۷	پرسش و پاسخ شرعی

(منبع: گردآوری شده توسط نویسندگان از صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۲۴-۱۷۳)

امام خمینی (ره) در نامه ۱۵ خرداد ۱۳۴۷ از تطهیر شاه توسط علما، ابراز ناراحتی می‌کنند. در ۱۲ مهر ۱۳۴۷ از آیت‌الله محمد رضا سعیدی به خاطر تداوم فعالیت‌های سیاسی ایشان تشکر می‌نمایند «که با کناره‌گیری اکثر [علما]... خود را به زحمت می‌اندازید» (صحیفه امام، ج ۲: ۱۹۸) کاربرد واژه «کناره‌گیری اکثر» نشانگر وضعیت غیر سیاسی شده روحانیت در این سال است. دوماه بعد ابراز ناراحتی می‌کنند که «از اوضاع عمومی و خصوص حوزه‌های علمیه نگرانم و نمی‌دانم با آن تندرویهای آن‌ها و این سهل انگاریهای ماها امر به کجا منجر می‌شود» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۰۸) کاربرد عبارت «نگرانی از حوزه‌ها»، و «سهل انگاریهای ماها» در برابر «تندرویهای» شاه، نشانه رکود مبارزه حوزویان است. واپسین موضع ایشان در سال ۱۳۴۷ نیز نامه به آیت‌الله محمد رضا سعیدی است. در متن این نامه اشاره شده است «از اوضاع شکایت نموده بودید، آنچه مسلم است هر روز رو به وخامت است و با وضع خودمان امیدی نیست مگر به توجه غیبی» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۲۴) به نظر می‌رسد که جو «کناره‌گیری اکثر» روحانیون، بر آیت‌الله سعیدی اثر گذاشت به نحوی

که خواست از امام جماعت مسجد امام موسی بن جعفر (ع) در تهران کناره گیری کند که با نهی امام روبرو شد «مرفوق شده بود (می خواستم از مسجد اعراض کنم). موجب تعجب است، انسان در پستی که مشغول خدمت است، باید با هر نامالیمی پایدار باشد باید پستها را نگه داشت و در وقت مقتضی با اعراض دسته جمعی طرف را کوبید» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۲۴)

از کل مکاتبات امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۸، ۱۵ فقره اجازه نامه، ۱۲ فقره تقدیر و تشکر و احوال پرسی، ۶ فقره مصرف وجوهات، ۴ فقره مبارزاتی و ۳ مورد خانوادگی است. در ۴ ماه اول سال مطلقاً نشانه‌ای از مبارزه نیست (ر.ک: جدول شماره ۱۱). در ۳ مرداد ۱۳۴۸ آیت الله محمد رضا سعیدی را از شیوه ی خاص مبارزاتی خودش منع می‌کنند. در این مکاتبات نوعی ناامیدی نسبت به روند مبارزه و اصلاح جامعه دیده می‌شود: «نفسی چند که از این جان بمانده منقطع می‌شود و حرفها تمام می‌شود» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۶۲) «امید است انشالله با رسیدن اجل، ختم این مطالب شود» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۳۲). به نظر می‌رسد امام خمینی (ره) از فضایی که بر حوزه‌های علمیه حاکم گردیده است دل‌سرد و ناامید شده‌اند. در این سال‌ها گروهی که به انجمن حجّیه مشهور شده بودند به جای مبارزه با پهلوی، مبارزه با بهائیت را عکّم کردند «امروز امام زمان (عج) جز مبارزه با بهائی‌ها، خدمت دیگری را از ما نمی‌پذیرد» (علیا نسب و علوی نیک، ۱۳۸۵: ۱۷) یا «تعدادی از رهبرانشان آن‌چنان بهائیت را بزرگ کردند که انگار در این مملکت شاه و حکومتش وجود ندارد» (باقی، ۱۳۶۳: ۳۴).

در موضع گیری نسبت به قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ موضع حجّتی‌ها شگفت‌انگیز بود زیرا به «جای آنکه مسئولیت خون‌های به‌حاق ریخته‌شده را متوجه رژیم طاغوت کند، آن را به گردن امام امت می‌گذارد» (اخگری، ۱۳۶۷: ۴۸). پیروان انجمن حجّیه نه تنها مبارزه امام خمینی (ره) را به چالش می‌کشیدند بلکه با هرگونه مبارزه چریکی که در آن سالها رو به گسترش بود، هم مخالف بودند (ر.ک: جعفریان، ۱۳۹۳). آیت الله محمود حلبی معروف به تولایی، مؤسس انجمن حجّیه، در این باره می‌گوید «چندی است تحریض می‌کنند، ولی چه از آب درمی‌آورند؟ چریک. چی از آب درمی‌آورند؟ مفسد، خرابکار، مودی به اجتماع، مضر به نظم» (اخگری، ۱۳۶۷: ۵۵) در موضوع تشکیل حکومت اسلامی مؤسس انجمن حجّیه «اقدام به تشکیل حکومت اسلامی در دوران غیبت را به معنای قائل شدن اتمام رسالت برای امام زمان (عج) و برافراشتن پرچم خلاف و دجالی می‌پنداشتند و معتقد بودند که به شکست می‌انجامد» (باقی، ۱۳۶۳: ۱۰۴). موضعی که کاملاً در مخالفت با دیدگاه امام خمینی (ره) قرار داشت.

جدول شماره ۱۱: مکاتبات امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۸

نوع کنش	مخاطب	زمان	چکیده
نامه مبارزاتی	محمدرضا سعیدی	۴۸/۵/۳	پرهیز دادن مخاطب از نشر فتوای ایشان با مقدمه‌ای که آیت‌الله خمینی را شبیه‌ترین فرد به امام زمان، دارای دو غیبت، سزاوار رهبری می‌داند
نامه مبارزاتی	محمدرضا سعیدی	۴۸/۸/۲۷	مشکل نبودن ترویج دین با لباس غیر روحانی، برخورد در صورت نیست مروج برای برجیدن بساط روحانیت
نامه مبارزاتی	محمدرضا حکیمی	۴۸/۸/۲۸	آگاه سازی جامعه با نثر، شعر، خطابه، کتاب حتی در اجتماعات خصوصی، تولید اشخاص همفکر و همقدم، فشرده‌گی صفوف
نامه مبارزاتی	اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان گروه فارسی زبان اروپا	۴۸/۱۰/۱۱	مطالعه قوانین اسلام، تحت تأثیر واقع نشدن تبلیغات اجانب
اجازه نامه	۱۵ نفر	کل سال ۴۸	گردآوری وجوهات شرعی و ارسال نصف آن
تشکر، تقدیر، احوال-پرسی	۱۲ نفر	کل سال ۴۸	تعارفات ایرانی
مصرف وجوهات	۶ نفر	کل سال ۴۸	چگونگی تهیه و مصرف وجوهات و شهریه طلاب
خانوادگی	۳ مورد	کل سال ۴۶	احوال‌پرسی درسی احمد، تبریک ازدواج نوه و پاسخ به پرسش برادر

(منبع: گردآوری شده توسط نویسندگان از صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۶۴-۲۲۵)

سال ۱۳۴۹ به نسبت سال قبل از آن فعالیت سیاسی امام خمینی (ره) بیشتر است. ایشان به روند آغاز شده در کشور درخصوص حضور شرکت‌های خارجی تحت عنوان حضور «سرمایه داران برای اسارت ملت ایران»، یاد کرده آن را خلاف خواست ملت و احکام اسلام برمی‌شمردند. همچنین محصلین و فضایی حوزه‌های علمیه را دعوت به مبارزه منفی علیه اسرائیل می‌کنند. در سایر نامه‌های ایشان از «حشتی سازی تبلیغات چند صد ساله اجانب و عمال استعمار»، «بیداری نسل جوان غربزده از خواب»، «برملانمایی فجایع حکومت‌های ضد انسانی و عمال آنها»، «روشن کردن طرز حکومت اسلام» و «فشرده سازی صفوف مبارزه» سخن به میان آمده است (ر.ک: جدول شماره ۱۲). باوجود این فعالیت‌ها در مکاتبات امام خمینی (ره) نوعی ناامیدی همچنان دیده می‌شود «من اکنون نفسهای آخر عمر را می-

کشم... تا بخواهید برای من به فکر تشریفات و مشاورین و اصحاب باشید، من رفته‌ام» یا در ۱۷ آذر ۱۳۴۹ آشکارا بیان می‌کنند که «خیلی خسته‌ام شده‌ام و راه مفری هم نیست» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ج ۲: ۳۱۲). یک دلیل آن می‌تواند عدم همراهی لازم از سوی حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های ایران باشد. در حالی که در این سال و در مکاتبات امام از کشته شدن آیت‌الله محمدرضا سعیدی تحت عنوان «مقتول در راه اسلام و صلاح مسلمین» و «قتل فجیع» یاد شده استفاده شد؛ از مراجع تقلید دیگر حتی پیام تسلیت برای شهادت سعیدی و یا اعتراض به تشکیل سپاه دین مشاهده نمی‌شود! این در شرایطی است که امام خمینی (ره) در مکاتبه ۵ اسفند ۱۳۴۹ تشکیل سپاه دین را «تهدید اساس روحانیت و استقلال آن» برمی‌شمرد و خواستار آگاه‌سازی ملت از نقشه شوم دشمنان هستند.

جدول شماره ۱۲: مکاتبات امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۹

نوع کنش	مخاطب	زمان	چکیده
اجازه نامه	۲۲ نفر	۱۳۴۹	گردآوری وجوهای شرعی و ارسال نصف آن
وجوهای و مصرف	۱۰ نفر	۱۳۴۹	چگونگی تهیه و مصرف وجوهای و شهریه طلاب
احوال پرسی، تقدیر، تشکر	۱۷ نفر	۱۳۴۹	تعارفات ایرانی
خانوادگی	۴ فقره	۱۳۴۹	احوال پرسی به استثنای ۱ مورد منع احمد خمینی از ورود به بحث جانشینی حکیم در ایران
پرسش شرعی	۱ فقره	۱۳۴۹	پاسخ به پرسش شرعی
پیام مبارزاتی	مؤمنین	خرداد ۴۹	پرداخت از سهم سادات عظام و امام به مقدار مصرف متعارف اقتصادی به ورثه مقتول راه اسلام و مسلمین: سعیدی
نامه مبارزاتی	محصلین و فضلا حوزه‌های علمیه	۴۹/۴/۲۰	کارخانه ذوب آهن، هجوم سرمایه داران برای اسارت ملت ایران، دعوت به مبارزه منفی علیه اسرائیل، قرارداد با سرمایه داران مخالف خواست ملت و احکام اسلام، تعزیت قتل محمدرضا سعیدی
نامه مبارزاتی	اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان فارسی زبان اروپا	۴۹/۴/۲۷	خشی سازی تبلیغات چند صد ساله اجانب و عمال استعمار، بیداری نسل جوان غریزه‌ها از خواب، برملاتمایی فجایع حکومت‌های ضد انسانی و عمال آنها، روشن کردن طرز حکومت اسلام، فشرده سازی صفوف مبارزه
نامه مبارزاتی	دانشجویان فارسی زبان آمریکا و کانادا	مرداد ۴۹	۱۵ خرداد سند زنده مخالفت ملت مقابل استبداد و استعمار چپ و راست، معرفی طرز حکومت اسلامی، دفاع از میهن و

استقلال، تغییر افکار غلطِ تحمیلی عمال استعمار به جوانان			
عدم تقدم و تصدیق عملی یک نفر برخوردار از سوی علما، امید به اصلاح از سوی خدا و بیداری از خواب گران	۴۹/۷/۱۶	جلال‌الدین طاهری اصفهانی	نامه مبارزاتی
انقلاب سفید و مصونیت اجانب در کشور و مصونیت نداشتن علما و دانشمندان و فرهنگیان، ورشکستگی بازرگانان، اختناق قرون وسطایی، اشاعه فحشا تا قصابات به نام سپاه بهداشت و دانش	بهم— ۱۳۴۹	زائران حجاج بیت الله الحرام	پیام مبارزاتی
تهذیب جامعه برای خشی‌سازی نقشه‌های شوم علیه جوانان، اتحاد اهل باطل در باطل و عدم اتحاد اهل حق در حق، تهدید اساس روحانیت و استقلال آن با سپاه دین و مبارزه با آن، آگاه‌سازی ملت از نقشه شوم دشمنان.	۴۹/۱۲/۵	علمای شیراز	نامه مبارزاتی

(منبع: گردآوری شده توسط نویسندگان، ۱۴۰۲)

در سال ۱۳۵۰ روند سال ۱۳۴۹ تکرار شد. در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۰ اعلامیه‌ای با امضای «روحانیون مترقی حوزه علمیه قم» منتشر شد که «قاپبه روحانیون را گوشزد [می‌کرد].... تا از اختلافاتی که منشأ آن دور ساختن از یک انقلاب حسینی است به دور باشند» (دوانی، ۱۳۹۴: ج ۶: ۳۰۲) در این بیانیه نسبت به تشکیل سپاه ترویج به عنوان «مشتی روحانی نمایان‌های مزدور مقیم حوزه‌های علمیه» برای «کویدن روحانیون مترقی» یاد شده بود. امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۰ جمعاً ۵۵ موضع‌گیری سیاسی داشتند. از این مکاتبات اکثریت مربوط به اجازه‌نامه‌های شرعی بود. در ۷ ماه نخست سال ۱۳۵۰ ایشان ۱۱ اجازه‌نامه شرعی صادر کردند (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۲۵-۳۴۱). بعد از آن ۳۸ نامه وجود دارد. سرشت نامه‌ها، به استثنای نامه ۲۸ اردیبهشت - علیه حرکت سیاهکل - و نامه به شیخ محمد یزدی در ۵ فروردین ۱۳۵۰، غیرمبارزاتی هستند. در نامه به شیخ محمد یزدی از «اختلافاتی که نمی‌دانم با چه دستی در حوزه علمیه قم و بین اهل منبر و محراب و همین نحو بین اهل علم تهران و اهل منبر آن جا حادث شده است» اظهارنگرانی شده است که «به جای وحدت کلمه، این نحو تفرق و توهین بعضی از بعضی و تکفیر بعضی موجب کمال تأسف است» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۴۱) طبق اسناد ساواک، این نامه «اشاره به تفرقه‌ای که به تحریک رژیم، پس از انتشار کتاب شهید جاوید تألیف صالحی نجف - آبادی بین روحانیون پیش آمده بود» دارد (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۴۱). رژیم قصد داشت با برجسته کردن اختلافات درباره یک کتاب، مبارزه سیاسی فراموش شود ولی امام خمینی (ره) با تیزهوشی هشدار دادند «کوشش کنید... آقایان را از خواب گران بیدار کنید» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ج ۲: ۳۴۱). در همین سال سخنرانی ایشان در ۱ تیر ۱۳۵۰ علیه جشنهای ۲۵۰۰ ساله کاملاً مبارزاتی است و از سکوت

روحانیت ابراز گلایه می‌نماید «چرا نجف این قدر خواب است؟ ما مسئول نیستیم؟ تمام کار ما برای مسلمین درس است؟ ما نباید اعتراض بکنیم؟... آقا... نجف را بیدار کنید اعتراضی کنید... من حالا به شما اخلاق بگویم... تهذیب نفس بگویم... یک کاغذ بنویسد» (صحیفه امام، ج ۲: ۳۶۵-۳۶۴) این انتقاد نشانگر رویکرد صرفاً آموزشی و اخلاقی است که در آن سالها بر نجف و قم حاکم گشته و امام نسبت به آن به شدت اعتراض دارند. در پیام ۲۱ آبان علیه تشکیل سپاه دین از علمای متفرق می‌خواهد که «اگر گلایه‌هایی از هم دارند، نادیده گرفته و خود را مجهز نموده صفوف خود را فشرده‌تر کرده و در صف واحد در این امر حیاتی چاره‌جویی کنند. و بر آنان و سایر دانشمندان و علاقه‌مندان به اسلام و استقلال کشور است که ملت مسلمان، خصوصاً ساکنین قرا و قصبات را از این فکر شیطانی که با نام فریبنده «سپاه دین» می‌خواهند دین و استقلال کشور را پایمال کنند، آگاه سازند و با هر وسیله ممکن مفسد این نغمه شوم را به مردم برسانند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ج ۲: ۳۹۸).

در ۲۶ آبان ۱۳۵۰ از جواز پشتیبانی مالی از بازماندگان مبارزان اعدام شده گفتند «اشخاصی که... قیام به امر به معروف و نهی از منکر نمودند و برای آنها حبس و قتل پیش آمده است و خانواده‌های آنها محتاج به کمک و سرپرستی هستند مؤمنین از هر طبقه مجازند ثلث از سهم مبارک امام علیه اسلام را در این مورد مصرف کنند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۳۹۹). با وجود هشدارها و تحذیرهای امام خمینی (ره) تنها حرکتی که از روحانیت در سال ۱۳۵۰ ثبت شده است تظاهرات روحانیون در قم است. این تظاهرات در واکنش به اعتراض سناتور جمشید اعلم علیه امام خمینی (ره) شکل گرفت. او در صحن علنی مجلس شورای ملی اظهار داشت «در نجف نشسته است و از آنچه بر ایرانیان عراق می‌گذرد سخنی بر لب نمی‌آورد. در این هنگام سناتور وحیدی گفت: آن آقا اصلاً ایرانی نیست و هندی است. نطق جمشید اعلم و سخن زنده وحیدی طوفانی از خشم در حوزه علمیه قم و تهران پدید آورد. در قم طلاب دست به تظاهرات زدند و صدای اعتراض خود را آشکار ساختند» (دوانی، ۱۳۹۳: ۳۳۱). شاید به همین خاطر بود که در پیامی از امام خمینی که حدس زده می‌شود برای این سال یا سال ۱۳۵۱ باشد بدون تاریخ به برادرش مرتضی پسندیده از انفعال مبارزات علما انتقاد می‌کند «برای اعمال بعضی علما ناراحت نباشید... وقتی قم بودم بسیار گرفتاری از دست بعضی و نفهمی بعضی داشتم ولی و با زحمات آنها را وادار به بعضی اقدامات نمودم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۷۸) یا در ۱۵ دی ۱۳۵۰ در پاسخ به نامه دخترش صدیقه مصطفوی می‌گوید «ماها بحمدالله تعالی سلامت هستیم لکن روحاً افسرده. امید است خداوند تعالی فرج عنایت فرماید» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۱۵).

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد رفتار سیاسی روحانیت در طول دهه ۱۳۴۰ یکسان نبوده است. در حالی که از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ موضوعی تقریباً مبارزه‌جویانه از روحانیت دیده می‌شود و مراجع تقلید در کنار امام نسبت به فراندوم انقلاب سفید، اصلاحات ارضی و کاپیتولاسیون موضع‌گیری می‌نمایند؛ در نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ این مبارزه کم‌رنگ‌تر می‌گردد. به نحوی که می‌توان گفت در نیمه دوم این دهه مبارزه به جمع معدودی از یاران و شاگردان امام خلاصه گشته و کمتر واکنشی از مراجع سرشناس نسبت به رویدادهای سیاسی مهم ایران در این سالها ثبت و ضبط شده است. این عدم همراهی و پرداختن به امور آموزشی در حوزه‌ها و یا مشاخره بر سر مسائلی که از نظر امام خمینی (ره) برای انحراف افکار عمومی توسط رژیم به آن دامن زده می‌شده است؛ انتقادات ایشان از روحانیت را به همراه می‌آورد. همچنین معظم له در متن نامه‌ها، تلگراف‌ها و اعلامیه‌های خود از افراط و تفریط‌هایی که در آن سال‌ها در بین طلاب دیده می‌شود ابراز گلایه می‌کنند. این ابراز گلایه‌ها عموماً به سه موضوع بازمی‌گردد: نخست جذب شدن برخی طلبه‌ها به افکار و اندیشه‌های ترویج داده شده توسط انجمن حج‌تیه. دوم، گرایش پیدا کردن برخی روحانیون به حرکت‌های مسلحانه و جنگ‌های چریکی علیه رژیم در سال‌های ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ و سوم دل‌سرد شدن مبارزان از تداوم راه انقلاب و اعتراض در سال‌های پایانی دهه ۱۳۴۰. اگرچه امام خمینی (ره) می‌کوشند امید را در دل انقلابیون زنده نگه دارند اما تشدید اقدامات ساواک و نیز عدم کسب همراهی لازم از سوی مراجع موجب گردیده تا در کلام ایشان نیز گاه ابراز گلایه و خستگی دیده شود. به طوری که می‌توان گفت با دور شدن از سال‌های آغازین دهه ۱۳۴۰ تعداد نامه‌ها، تلگراف‌ها و اعلامیه‌های مبارزاتی امام روند کاهشی به خود گرفته و در دهه بعد و با شروع جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، تغییر تاریخ رسمی ایران و.... مجدد افزایش می‌یابد.

منابع

- اخگری، محمدرضا (۱۳۶۷). ولایت‌های بی ولایت: انجمن حجتیه، تهران: محمدرضا اخگری.
- افراسیابی، بهرام (۱۳۶۷). ایران و تاریخ، تهران: نشر علم.
- باقی، عمادالدین (۱۳۶۳). در شناخت حزب قاعدین زمان، قم: نشر دانش اسلامی.
- بهبودی، هدایت الله (۱۳۹۶). الف لام خمینی: زندگی نامه امام روح الله موسوی خمینی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵). «آیا مدرنیزاسیون باعث انقلاب می شود؟»، در جک گلدستون، مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب ها، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۳). جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران سال‌های ۱۳۲۰ الی ۱۳۵۷، چاپ دوم، تهران: علم.
- دهباشی، حسن (۱۳۹۵). «زندگی سیدکاظم بجنوردی به روایت موسوی بجنوردی»، پایگاه ایلنا، ۱۰ بهمن ۱۳۹۵، کد خبر ۴۵۳۳۲۸.
- دوانی، علی (۱۳۹۴). نهضت روحانیون ایران، ج ۳ و ۴، تهران: مرکز نشر اسناد انقلاب اسلامی.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۷). درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقرپرهام، چاپ سوم، تهران: چاپ مرکز.
- رنجبر کرمانی، علی اکبر (۱۳۸۱). مسی به رنگ شفق (خاطرات)، تهران: نشر نی.
- روحانی، حمید (۱۳۷۴). نهضت امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- زیباکلام، صادق (۱۳۹۵). مقدمه ای بر انقلاب اسلامی، چاپ سوم، تهران: روزنه.
- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی (۱۳۴۹). دوره ۲۲، جلسه ۸.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۰). روزشمار تاریخ ایران: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج ۱، تهران: گفتار.
- علیا نسب، ضیاء الدین؛ علوی نیک، سلمان (۱۳۸۵). جریان‌شناسی انجمن حجتیه، قم: زلال کوثر.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۶۹). انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران: طوبی.
- کدی، نیکی (۱۳۹۰). ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: علم.
- کمالی، مسعود (۱۳۸۱). جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر، تهران: باز.
- کوشکی، محمد صادق (۱۳۷۸). تبار ترور، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- گلدستون، جک (۱۳۹۶). «انقلاب»، ترجمه آسیه حائری یزدی، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۶.

گلدستون، جک (۱۳۹۷). «بازاندیشی در مورد انقلاب‌ها: ترکیب سرچشمه‌ها، فرایندها و برایندها»، ترجمه حمیرا مشیرزاده، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، گولد، جولوس؛ کولب، ویلیام (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمد جواد زاهدی، تهران: مازیار.

مختاری اصفهانی، رضا (۱۴۰۱). «نواندیشی دینی»، اندیشه پویا، س ۱۲، ش ۸۲. مدنی، جلال الدین (۱۳۹۱). تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد ۱، تهران: دفتر انتشارات اسلامی. مظفری، آیت (۱۳۹۴). «نقش روحانیت در پیروزی انقلاب اسلامی»، پیام، شماره ۱۱۶، ۲۴-۳۸. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (۱۳۸۹)، سازمان مجاهدین خلق: پیدایش تا فرجام، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، ج ۱، ۲ و ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷). پیوندهای رژیم شاه و اسرائیل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

میلانی، محسن (۱۳۸۵). شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: گام نو.

نظری، علی‌اشرف؛ حسن‌پور، علی (۱۳۹۱). «مسجد و فرایندهای فرهنگی قدرت در نظام جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۱، شماره ۴، ۸۷-۱۱۱. هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر (۱۳۷۷). «نقش روحانیت در انقلاب اسلامی و رسالت کنونی آن»، اندیشه حوزه، شماره ۱۵.

January, Brendan (2008). The Iranian Revolution, Minneapolis: Twenty-First Century Books.

Wagner, Heather Lehr. (2010). The Iranian Revolution, New York: An imprint of Infobase Publishing.